

صالح رضائی پیش‌رباط
کارشناس ارشد حقوق بین‌المللی
سازمان انرژی اتمی ایران

نگرش حقوقی به کنوانسیون معاهده بین‌المللی سرکوب محو بمب‌گذاری‌های تروریستی*

مبحث اول: سابقه موضوع

یکی از پدیده‌های حاد و بحران‌سازی که جامعه بین‌المللی در دهه‌های اخیر به‌طور جدی با آن مواجه شده‌است، تروریسم می‌باشد. تروریسم که معنای لغوی و معمولی آن ایجاد وحشت و هراس در میان مردم و تهدید آرامش و امنیت اجتماعی و عمومی است،^۱ از زمانهای دور و از همان هنگامی که اجتماع شکل گرفت، مطرح بوده‌است. علیرغم این سابقه، ظهور این پدیده در عرصه بین‌المللی قدمت چندانی ندارد. پس از جنگ جهانی اول کنفرانس بین‌المللی در ورسای فرانسه تشکیل گردید تا نظام سیاسی و حقوقی بین‌المللی پس از جنگ را تنظیم نماید. در این کنفرانس دولتهای شرکت‌کننده، ضمن مباحثات و مذاکرات خود، توافق نمودند که تروریسم جرم بین‌المللی تلقی شود

* Internation of convention for supression of terrorist Bombings

و عاملان آن تحت تعقیب و محاکمه قرار گیرند. دلبستگی تام دولتها به حاکمیت ملی خود و فقدان تعریف بین‌المللی مورد قبول از تروریسم مانع از تحقق عملی توافقات دولتهای شرکت‌کننده در کنفرانس گردید.

در سال ۱۹۳۴، پادشاه یوگسلاوی توسط يك گروه تروریستی به قتل رسید. وقوع این حادثه توجه و نگرانی افکار عمومی بین‌المللی و مجامع دولتها را نسبت به پدیده خطرناک تروریسم بیشتر می‌کرد. به دنبال این واقعه، دولتهای اروپائی ضرورت اتخاذ اقدامات بین‌المللی جهت سرکوب و مجازات تروریسم را در دستور کار خود قرار داده و سرانجام پس از مذاکرات زیاد «کنوانسیون پیشگیری و مجازات تروریسم» را در سال ۱۹۴۷ منعقد ساختند. کنوانسیون مذکور تروریسم را به این صورت تعریف کرد: «تروریسم به اعمال جنائی اطلاق می‌شود که علیه کشوری صورت گیرد و هدف عامل آن ایجاد هراس نزد اشخاص و یا دستجات معین و یا عامه مردم باشد.» این کنوانسیون ضمن مقررات خود توصیه نمود که يك دادگاه بین‌المللی تشکیل شود تا عاملان تروریسم را محاکمه و مجازات نماید.^۲ شرایط سیاسی و بین‌المللی حاکم بر آن زمان مانع تأسیس دادگاه و اجرای معاهده مذکور شد.

در سالهای پس از جنگ جهانی دوم، توسل به ابزار تروریستی جهت نائل آمدن به اهداف سیاسی شدت یافت. دولتها و گروههای قدرت طلب غیرحاکم با توسل به وسایل تروریستی و ایجاد وحشت در میان عموم، درصدد تعقیب اهداف سیاسی خود برآمدند. ازجمله مهمترین اعمال تروریستی که در این سالها رواج یافت هواپیماربایی، تهدید امنیت هواپیماها و گروگانگیری بود. تروریستها با ربودن هواپیماها و تهدید به انهدام هواپیما در جریان پرواز و ربودن افراد و شخصیت‌های سیاسی و به تبع آن اعمال فشار بر دولتهای ذی‌نفع سعی می‌کردند خواسته‌های سیاسی خود را به کرسی بنشانند و به اهداف خود نائل شوند. دولتها برای مقابله با این اقدامات قراردادهایی را منعقد کردند و ضمن آن اقدامات هواپیماربایی تهدید امنیت هواپیماها و گروگانگیری شخصیت‌های

سیاسی را جرم قلمداد نموده و محاکمه و مجازات عاملان آنها را مورد تأکید قرار دادند. ازجمله مهمترین معاهدات در این زمینه به اسناد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱) کنوانسیون توکیو راجع به جرائم و برخی اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما (۱۹۶۳)

۲) کنوانسیون لاهه راجع به جلوگیری از تصرف غیرقانونی هواپیما (۱۹۷۰)

۳) کنوانسیون مونترال راجع به جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمایی کشور (۱۹۷۱)

۴) کنوانسیون نیویورک راجع به جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی منجمه مأموران سیاسی (۱۹۷۶)^۲

این کنوانسیونها ارتكاب اعمال و اقدامات فوق را جرم بین‌المللی تلقی کردند و عاملان و مرتکبین آنها را شایسته محاکمه و مجازات دانستند. تا اوایل دهه ۱۹۹۰، تروریسم صرفاً یک جرم بین‌المللی به حساب می‌آمد. اما از این زمان به بعد تروریسم تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی نیز تلقی شد. به دنبال حادثه لاکربی شورای امنیت سازمان ملل در سال ۱۹۹۲ قطعنامه‌های ۷۳۱ و ۷۴۸ خود را صادر کرد و اعلام نمود که تروریسم (انفجار هواپیمای در حال پرواز) تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد. شورای امنیت می‌تواند، در چنین وضعیتی، براساس فصل هفت منشور ملل متحده عمل کرده و تصمیماتی را علیه عاملان تروریستی اتخاذ نماید. شورای امنیت در قضیه لاکربی، حمایت دولت لیبی از تروریستها و عدم تحویل دو مظنون لیبائی متهم به بمب‌گذاری در هواپیمای پان امریکن را تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کرد و براساس فصل هفت منشور مجازاتهایی را علیه آن دولت اعمال نمود.^۳

پس از این واقعه توجه سازمان ملل نسبت به پدیده مجرمانه تروریسم بیشتر گردید. مجمع عمومی سازمان ملل، طی اعلامیه در ۹ دسامبر ۱۹۹۴، بر اتخاذ اقداماتی جهت حذف تروریسم بین‌المللی تأکید کرد. در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۶ مجمع عمومی طی

اعلامیه‌ای، بار دیگر اصرار و تأکید خود را مبنی بر حذف تروریسم بین‌المللی تکرار کرد و از دولتهای عضو خواست که تدابیر و اقدامات جدی را در این زمینه اتخاذ نمایند.^۵ در این سال (۱۹۹۶) مجمع عمومی کمیته ویژه‌ای را به منظور تدوین پیش‌نویس کنوانسیون برای امحاء تروریسم بین‌المللی، از جمله تروریسم هسته‌ای ایجاد نمود. این کمیته پس از يك سال تلاش سرانجام پیش‌نویس کنوانسیون بین‌المللی سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی را تهیه و تدوین و جهت تأیید به مجمع عمومی ارائه داد. مجمع عمومی کنوانسیون مذکور را در دسامبر ۱۹۹۷ تصویب و جهت امضاء و تصویب دولتها مفتوح ساخت. این کنوانسیون در صورت اجرا و رعایت توأم با حسن نیت از جانب دولتها، اقدام مثبتی جهت پیشگیری و سرکوب برخی از اعمال تروریستی به حساب خواهد آمد.

مبحث دوم: نگاهی کلی بر مقررات کنوانسیون

کنوانسیون بین‌المللی سرکوب بمب‌گذاری تروریستی دارای يك مقدمه و ۲۴ ماده می‌باشد. کنوانسیون در مقدمه خود اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل و از جمله قطعنامه ۴۹/۶۰ و ۵۱/۲۱۰، درخصوص امحای تروریسم، را مورد تأیید قرار داده و اعلام می‌کند که تروریسم عمل مجرمانه‌ای است که صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره می‌اندازد. کنوانسیون در ادامه از دولتها می‌خواهد که به منظور پیشگیری از وقوع اعمال تروریستی و محاکمه و مجازات مرتکبین آن با یکدیگر همکاری نزدیک داشته باشند.

کنوانسیون، در ماده ۲ خود اعمالی را که ارتکاب آنها جرم بین‌المللی و تروریسم تلقی می‌شود، برشمرده و نحوه انتساب آنها را به مرتکبین معین کرده‌است. مطابق کنوانسیون، دولتهای عضو، متعهد هستند که با اتخاذ اقدامات قانونی، اعمال مقرر شده را جرم‌انگاری کرده و مجازات مقتضی را اعمال نمایند.^۶ دولتهای عضو همچنین متعهد

هستند که با رعایت اصول و مقررات حقوق بین‌الملل، صلاحیت کیفری خود را نسبت به جرائم مذکور در کنوانسیون احراز و با دیگر دولتهای عضو معاضدت و همکاری نمایند.^۷ در اجرا و اعمال این تعهدات و مسئولیتها حاکمیت و تمامیت ارضی دولتهای عضو باید مورد احترام قرار گیرد و دولتها باید تعهدات خود را به‌نحوی انجام دهند که با اصول برابری حاکمیت و تمامیت ارضی دولتها و اصل عدم مداخله در امور داخلی، مغایرت پیدا نکند.

کنوانسیون، روشهای فیصله اختلافات میان دولتهای عضو را معین کرده‌است. ماده ۲۰ در این زمینه مقرر می‌دارد که در بروز اختلاف میان دولتها درخصوص تفسیر یا اجرای کنوانسیون دولتهای طرف اختلاف باید سعی کنند که اختلاف خود را از طریق مذاکره حل و فصل نمایند. در صورت عدم فیصله اختلاف از طریق مذاکره، یکی از طرفین اختلاف می‌تواند موضوع مورد اختلاف را به داور بین‌المللی یا دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع دهد. البته کنوانسیون در ادامه تصریح کرده‌است که دولتها می‌توانند به هنگام امضاء و تصویب معاهده یا الحاق به آن، با صدور اعلامیه‌ای از پذیرش ارجاع اختلاف به داور یا قبول صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری امتناع نمایند. خروج از کنوانسیون نیز امکان‌پذیر است و مطابق مقررات ماده ۲۳، هر دولتی می‌تواند با اطلاع قبلی (۱۲ ماه قبل) از کنوانسیون کناره‌گیری نماید.

مبحث سوم: اعمال مجرمانه تروریستی

در مباحث قبلی اشاره کردیم که کنوانسیون مورد بحث ارتکاب اعمال معین را جرم بین‌المللی و موجب تروریسم قلمداد کرده‌است. حال سؤال این است که ارتکاب چه اعمالی جرم و تروریسم تلقی شده و مستلزم محاکمه و مجازات مرتکبین و عاملان می‌باشد. به عبارت دیگر از نظر کنوانسیون چه اقداماتی جرم و تروریسم تلقی می‌شود. بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون در این زمینه اشعار می‌دارد: «اگر کسی به‌طور

می‌باشد. به عبارت دیگر از نظر کنوانسیون چه اقداماتی جرم و تروریسم تلقی می‌شود. بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون در این زمینه اشعار می‌دارد: «اگر کسی به طور غیرقانونی و عمدتاً یک وسیله انفجاری یا دیگر وسیله کشنده را در اماکن عمومی، تأسیسات دولتی یا حکومتی، سیستم حمل و نقل عمومی و یا در تأسیسات زیربنایی جاسازی، شلیک و یا منفجر کند... مرتکب جرم (موجب تروریسم) شده است.» در رابطه با تعریف فوق مباحث زیر قابل طرح است. عناصر تشکیل دهنده جرم و مرتکبین عمل مجرمانه.

گفتار اول: عناصر تشکیل دهنده جرم

مطابق اصول و قواعد حقوق جزا، یک عمل زمانی جرم محسوب می‌شود که متضمن سه عنصر قانونی، مادی و معنوی باشد.^۸ بدین توضیح که اولاً قانونی باید از قبل وجود داشته باشد و انجام یا عدم انجام برخی از اعمال را مجرمانه اعلام کند. ثانیاً باید عملیات و اقداماتی صورت گیرد تا جرم تحقق یابد. و نهایتاً اینکه شخص باید به هنگام انجام عمل مجرمانه دارای قصد و اراده باشد. قاعده عناصر متشکله جرم، ابتدائاً در نظامهای حقوقی داخلی نضج و توسعه یافته، و بعدها با تغییر و تعدیلاتی وارد عرصه نظام حقوقی بین‌المللی نیز شده است. امروزه در حقوق بین‌الملل همانند حقوق داخلی برای اینکه عملی جرم بین‌المللی تلقی شود، لازم است سه عنصر قانونی، مادی و معنوی جرم را داشته باشد.^۹ کنوانسیون مورد بحث قاعده مذکور را رعایت کرده و در ماده ۲ خود آن را مورد تأیید قرار داده است. با این مقدمه، به توضیح عناصر سه گانه جرم مقرر شده در کنوانسیون می‌پردازیم.

۱) عنصر قانونی

به طوری که اشاره شد، هیچ عمل یا ترك عملی جرم نیست مگر اینکه قانونی آن را

از قبل جرم تلقی کرده باشد. این اصل که به اصل قانونی بودن جرم معروف است، امروزه تقریباً در تمام نظامهای حقوقی ملی کشورها پذیرفته شده است. سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که منظور از قانون (اصل قانونی بودن) چیست و آیا چنین قانونی در حقوق بین الملل وجود دارد؟ در پاسخ به سؤال اول باید گفت که در حقوق داخلی مراد از قانون «مجموعه مقررات لازم الاجرائی است که به وسیله قوه قانونگذاری (مجالس و پارلمانها) و دیگر مجامع قانونگذاری صالح یک دولت وضع شده باشد.» اما اینکه در حقوق بین الملل مفهوم و نهادی به نام قانون وجود دارد باید عنوان کرد که قانون به مفهوم حقوق داخلی در حقوق بین الملل به علت تفاوتی که ماهیت آن با حقوق داخلی دارد وجود ندارد. در حقوق داخلی نهاد مافوق به نام دولت موجود می باشد که صلاحیت وضع و اجرای قانون را در قلمرو تحت حاکمیت خود دارد. حال اینکه در حقوق بین الملل اصل تساوی حاکمیتها و دولتها مطرح است و به لحاظ حقوقی هیچ قدرتی بالاتر از قدرت دولتها وجود ندارد. در حقوق بین الملل قواعد و مقرراتی هست که الزام آور و لازم الاجرا می باشد لیکن منبع به وجود آورنده آنها قانون (به مفهوم داخلی) نیست. مقررات الزام آور و لازم الاجرای حقوق بین الملل از طریق رضایت توافق و همکاری دولتها و با انعقاد پیمانها، معاهدات و نیز عرف بین المللی و اصول کلی حقوق ایجاد می شود.^{۱۰} در عرصه حقوق بین الملل دولتها می توانند با توافق و تراضی یکدیگر و طی یک سند الزام آور بین المللی، ارتکاب اعمال معینی را توسط افراد و اشخاصی جرم اعلام کنند. توافق و تراضی دولتها در قالب پیمانها، معاهدات و سایر اسناد الزام آور بین المللی، نقش قانون در حقوق داخلی را ایفا می کند. بنابراین، اگر سند الزام آور بین المللی ارتکاب عملی را جرم قلمداد کند، اصل قانونی بودن جرم در حقوق بین الملل درخصوص جرم بین المللی معینی تحقق یافته است. این امر درخصوص کنوانسیون مورد بحث نیز مصداق دارد و ماده ۲ این کنوانسیون درواقع عنصر قانونی جرائم مقرر شده در آن محسوب می شود.

۲) عنصر مادی

به صرف اعلام عملی یا ترك عملی از طرف قانون به عنوان جرم، مسئولیت کیفری و جرم محقق نمی‌شود. برای اینکه فردی مجرم شناخته شود، باید مبادرت به انجام اعمال و اقداماتی یا ترك اعمالی نماید که قانون انجام یا عدم انجام آنها را ممنوع کرده‌است. کنوانسیون ۱۹۹۷ انجام اقداماتی را که موجب جرم و به تبع آن سبب تروریسم می‌شود، مقرر نموده‌است. مطابق ماده ۲، «تحويل، قرارداد، شلیک یا منفجر کردن يك وسیله منفجره یا دیگر وسائل کشنده در مکان عمومی، تأسیسات دولتی یا حکومتی، سیستم حمل‌ونقل عمومی و یا تأسیسات زیربنائی» عناصر مادی جرم متضمن تروریسم را تشکیل می‌دهد. براساس ماده فوق، هرگاه کسی اقدام به یکی از اعمال، تحويل، قرارداد یا جاسازی شلیک وسیله منفجره یا دیگر وسائل کشنده نماید عمل مادی جرم موجب تروریسم را مرتکب شده‌است.

در ادامه این بحث باید این نکته را نیز روشن کرد که منظور از وسیله منفجره یا دیگر وسائل کشنده «چیست و شامل چه ابزار و وسائلی می‌شود؟ خوشبختانه خود کنوانسیون در مقام تعاریف عبارات و اصطلاحات، پاسخ سؤال فوق را داده‌است. بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون در این زمینه مقرر می‌دارد: «وسیله منفجره یا دیگر وسائل کشنده به این معناست:

الف - وسیله منفجره یا سلاح یا وسیله آتش‌زائی که دارای کاربرد، یا توانائی

ایجاد مرگ، آسیب جسمی شدید یا خسارت مادی اساسی می‌باشد، یا

ب - سلاح یا وسیله‌ای که دارای کاربرد، یا توان ایجاد مرگ، آسیب جسمی شدید یا

خسارت مادی اساسی از طریق انتشار، پخش یا برخورد مواد شیمیایی سمی، عناصر بیولوژیکی یا مواد سمی یا مشابه، یا مواد تشعشعاتی یا رادیو اکتیو می‌باشد.»

به‌طوری که پیداست، کنوانسیون در تعریف وسیله منفجره یا دیگر وسائل کشنده

سه معیار یا ویژگی را در نظر گرفته‌است براساس تعریف کنوانسیون، وسیله منفجره یا

وسائل کشنده دیگر باید دارای سه ویژگی ایجاد مرگ، ایجاد آسیب جانی یا جسمی شدید و نهایتاً وارد آوردن خسارت مادی اساسی باشد. سلاحها و وسائلی که دارای ویژگیهای فوق باشند مشمول تعریف کنوانسیون قرار می‌گیرند. کنوانسیون در ادامه (قسمت ب بند ۳ ماده ۱) به مصادیق معمولی سلاحها یا وسائلی که دارای چنان ماهیت و ویژگی هستند اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که سلاحها و وسائلی که مواد شیمیایی سمی، مواد بیولوژیکی یا رادیو اکتیویته و هسته‌ای منتشر و پخش می‌نماید، از جمله سلاحها و وسائلی هستند که سه ویژگی فوق را دارا می‌باشند. بنابراین، با عطف به تعریف مذکور باید گفت که از نظر کنوانسیون تحویل، جاسازی شلیک و انفجار غیرقانونی وسائل یا سلاحهای شیمیایی بیولوژیکی و هسته‌ای و هر نوع وسیله یا سلاح دیگری - که موجب مرگ، آسیب جسمی شدید و یا خسارت مادی اساسی می‌شود - در اماکن عمومی، تأسیسات دولتی و زیربنائی و سیستم حمل‌ونقل عمومی، جرم بین‌المللی و متضمن تروریسم می‌باشد. نکته‌ای که در اینجا باید اضافه کرد این است که کنوانسیون شروع به ارتکاب جرائم فوق را نیز جرم تلقی نمود و مستلزم مجازات مقتضی از جانب دولتهای عضو دانسته است.^{۱۱}

۳) عنصر معنوی

سومین عنصر، برای تحقق جرم یا عمل مجرمانه، عنصر معنوی یا روانی است، براساس قواعد و اصول حقوقی جزا، شخصی که يك عمل مجرمانه و غیرقانونی را مرتکب می‌شود باید دارای قصد و اراده باشد. در صورت عدم قصد و اراده در ارتکاب عمل مجرمانه، مسئولیت کیفری شخص منتفی خواهد شد. کنوانسیون مورد بحث وجود عنصر روانی یا معنوی را در ارتکاب عمل مجرمانه و متضمن تروریسم صریحاً مورد تأکید قرار داده و در بند ۱ ماده ۲ اشاره کرده است که شخص در صورتی مرتکب جرم می‌شود که اولاً درانجام عمل مجرمانه خود دارای قصد (intentionally) باشد.

ثانیاً قصد و نیت او ایجاد مرگ یا آسیب جسمی شدید و یا نابودی گسترده و وارد آمدن خسارت اقتصادی وسیع به اماکن عمومی، تأسیسات دولتی و زیربنائی و سیستم حمل و نقل عمومی باشد.^{۱۲}

به طوری که پیداست کنوانسیون، وجود سوء نیت عام (قصد فعل) و سوء نیت خاص (قصد نتیجه) در شخص مرتکب عمل مجرمانه را لازم دانسته است. بنابراین عنصر معنوی جرائم مقرر شده در کنوانسیون زمانی تحقق خواهد یافت که اولاً شخص در انجام عمل خود قصد و اراده داشته باشد. ثانیاً قصد او از انجام اعمال مجرمانه ایجاد مرگ یا آسیب جسمی شدید و یا وارد آمدن خسارت اقتصادی باشد.

گفتار دوم: مجرمین اعمال مجرمانه و تروریستی

کنوانسیون مقرر کرده است که اگر شخص (Person) به طور غیرقانونی و عمدتاً اعمال... انجام دهد مرتکب جرم شده است. هر چند که مطلق واژه شخص به شخص حقوقی هم می تواند دلالت داشته باشد، لیکن با عنایت به واژه عمدتاً روشن می شود که مراد از شخص صرفاً شخص حقیقی است و شخص حقوقی را شامل نمی شود. کنوانسیون علاوه بر شخص مباشر جرم، اشخاص دیگری را نیز، در صورت ارتکاب عمل مجرمانه، مجرم شناخته است. کنوانسیون در بند ۳ ماده ۳ تصریح نموده است که شخصی که در انجام عمل مجرمانه شرکت کند یا به مباشر جرم معاونت و مساعدت کند، مجرم محسوب خواهد شد. به عبارت دیگر، کنوانسیون، شرکاء و معاونین جرم را نیز، همانند مباشر جرم، مجرم و قابل مجازات دانسته است.

نکته ای که باید در اینجا توضیح داده شود این است که اعمال مجرمانه مقرر شده

شامل اشخاص نظامی، در جریان مخاصمات مسلحانه نمی شود.^{۱۳}

به عبارت دیگر، اگر يك نظامی، در جریان جنگ یا درگیریهای مسلحانه مرتکب یکی

از اعمال مجرمانه مقرر شده در ماده ۲ بشود مشمول مقررات کنوانسیون مورد بحث نخواهد بود. البته این بدان معنا نیست که اقدامات و اعمال نظامیان در جریان جنگ و درگیریهای مسلحانه تحت هیچ ضابطه و قاعده‌یی نیست و آنها در انجام اعمال و عملیات خود از آزادی عمل نامحدودی برخوردار هستند. مستثنی شدن اعمال اشخاص نظامی از شمول کنوانسیون صرفاً به این جهت بوده است که جنگ شرایط و مقررات خاص خود را دارد و تسری اعمال مجرمانه تروریستی زمان صلح به زمان جنگ منطقی و منطبق با واقعیت نمی‌باشد.^{۱۴}

در خاتمه این مبحث خاطر نشان می‌شود که مطابق مقررات کنوانسیون (ماده ۴) دولتهای عضو متعهد هستند که با وضع و تصویب قانونی ملی، جرائم مقرر شده در ماده ۲ را جرم محسوب کرده و مجازات لازم و شایسته را مقرر نمایند.

مبحث چهارم: صلاحیت قضائی

منظور ما از این بحث این است که در صورت ارتکاب اعمال مجرمانه مقرر شده در ماده ۲، محاکم و دادگاههای کدام دولت صلاحیت رسیدگی به موضوع را خواهد داشت و دولت صالح به چه نحوی باید به موضوع رسیدگی نماید؟ مطابق ماده ۶، دولتهای عضو کنوانسیون متعهد هستند که در موارد و وضعیتهای زیر صلاحیت قضائی خود را نسبت به جرم واقع شده برقرار نمایند:

- (۱) هرگاه جرم در سرزمین آن دولت واقع شود (صلاحیت سرزمینی)؛
- (۲) جرم در عرشه کشتی که پرچم آن دولت را به اهتزاز درآورده یا در هواپیمائی که تحت قوانین آن دولت ثبت شده است؛ واقع بشود. (صلاحیت دولت صاحب پرچم)،

(۳) جرم توسط یکی از اتباع آن دولت ارتکاب یابد (صلاحیت شخصی فعال).
در سه حالت فوق، دولتهای عضو متعهد و ملزم هستند که ضمن قوانین داخلی

خود صلاحیت قضائی خود را نسبت به جرم واقع شده مقرر و برقرار نمایند. تأکید و اصرار کنوانسیون به لزوم چنین عملی به این جهت بوده است که هیچ مجرم تروریستی نتواند به دلائل خلاءهای حقوقی از محاکمه و مجازات فرار کند.

علاوه بر صلاحیتهای یاد شده که جنبه اصلی و تکلیفی دارد، کنوانسیون موارد دیگری را نیز برشمرده است که دولتهای عضو می‌توانند (حق دارند) صلاحیت قضائی خود را برقرار نمایند. این موارد وضعیتهای به قرار ذیل است:

- (۱) وقتی که جرم علیه یکی از اتباع آن دولت واقع شود. به عبارت دیگر تبعه دولت، مجنی علیه جرم واقع گردد (صلاحیت شخصی انفعالی)
- (۲) جرم علیه تأسیسات حکومتی یا دولتی آن دولت در خارج، از جمله سفارتخانه‌ها و دیگر اماکن دیپلماتیک و کنسولی واقع شود.
- (۳) جرم توسط يك شخص بدون تابعیتی واقع شود که محل سکونت عادی آن قلمرو آن دولت باشد.

(۴) جرم در جهت اجبار آن دولت به امتناع از عمل یا انجام عمل معین واقع شود.

(۵) جرم در هواپیمائی واقع شود که تحت نظر آن دولت عمل می‌کند.

در پنج حالت فوق، دولتهای عضو تکلیف و الزامی به احراز و برقراری صلاحیت قضائی خود نسبت به جرم واقع شده ندارد، بلکه در صورتی که تمایل داشته باشند، می‌توانند ضمن قوانین خود، صلاحیت قضائی خود را نسبت به آنها برقرار نمایند. مطابق مطالب فوق، اگر شخصی در خاک و قلمرو يك دولت یا در کشتی و یا هواپیمائی که پرچم آن دولت را دارد مرتکب جرم مقرر شده در ماده ۲ شود، دولت مربوط ملزم است به جرم واقع شده رسیدگی و مجرم را محاکمه و مجازات نماید. همچنین اگر تبعه شخصی در خارج مرتکب جرم مقرر شده شود، دولت متبوع آن شخص باید صلاحیت قضائی خود را احراز و برقرار کند و جرم واقع شده را مورد رسیدگی قرار دهد. اما در غیر از موارد سه‌گانه فوق برقراری صلاحیت قضائی دولت نسبت به جرم واقع شده

اختیاری است. به عبارت دیگر اگر تبعه دولتی در خارج از قلمرو و حاکمیت خود در نتیجه وقوع یکی از جرائم مقرر در ماده ۲ کنوانسیون، مجنی علیه واقع شود، یا یکی از جرائم مقرر شده علیه تأسیسات آن دولت، از قبیل سفارتخانه در خارج از قلمرو خود به وقوع بپیوندد، یا جرم مقرر شده توسط يك شخص بی تابعیت در قلمرو دولت واقع گردد، و نیز جرم در جهت اجبار دولت به انجام فعل یا ترك فعلی ارتکاب یابد، و نهایت اینکه جرم مقرر در ماده ۲ کنوانسیون در درون هواپیمائی که تحت نظر آن دولت عمل و فعالیت می کند، واقع شود، در چنین وضعیتهائی دولت الزامی به احراز صلاحیت قضائی و رسیدگی و محاکمه جرم واقع شده ندارد. لیکن در صورتی که مایل باشد می تواند صلاحیت خود را نسبت به جرائم و وضعیتهای فوق مقرر نماید. نکته ای که باید در این قسمت یادآور شد این است که اگر جرم مقرر در ماده ۲، در قلمرو يك دولت واقع شود و مجرم و قربانی جرم (مجنی علیه) هر دو تبعه آن دولت باشند و در آنجا دستگیر گردند، و هیچ دولت عضوی ادعای صلاحیت قضائی نسبت به آن جرم نکند، مقررات کنوانسیون مورد بحث اعمال نخواهد شد.^{۱۵}

در خصوص محاکمه و مجازات متهم، کنوانسیون مقرر می دارد که دولتی که شخص مظنون به ارتکاب جرائم مقرر در ماده ۲ را دستگیر کرده، اگر بر اساس مقررات، صلاحیت قضائی و رسیدگی داشته باشد، می تواند خود، او را در دادگاههای صالح محاکمه و مجازات کند، در غیر این صورت باید شخص متهم را به دولتهائی که صلاحیت قضائی و رسیدگی دارند استرداد نماید. کنوانسیون تصریح می کند که جرائم مقرر شده در ماده مذکور نمی تواند جرم غیرقابل استرداد تلقی شود، و دولتها عضو نمی توانند به استناد اینکه قانون آنها اجازه نمی دهد از استرداد متهم امتناع نمایند. نکته آخر اینکه دولت صالح به رسیدگی باید در جریان رسیدگی و محاکمه، حقوق قانونی متهم را رعایت کند و بلافاصله نتیجه محاکمه را به دیگر دولتهای عضو اعلام نماید. معیار رعایت حقوق متهم در جریان رسیدگی قوانین داخلی دولت محاکمه کننده است،

با این حال آزادی عمل دولت در این زمینه نامحدود نمی‌باشد و آن دولت ملزم است که معیارها و مقررات بین‌المللی الزام‌آور در زمینه حقوق متهم را رعایت نماید.

ملاحظات پایانی: (نتیجه‌گیری)

کنوانسیون بین‌المللی سرکوب بمب‌گذاریهای تروریستی بخشی از اقدامات سازمان ملل در زمینه پیشگیری و مجازات تروریسم محسوب می‌شود. قبل از تاریخ دسامبر ۱۹۹۷، پیشگیری و مجازات برخی از مصادیق تروریسم، چون هواپیماربائی، تهدید امنیت هواپیماها و گروگانگیری شخصیت‌های دیپلماتیک طی اسناد الزام‌آور بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته بود، لیکن کنوانسیون مورد بحث اولین سند جهانی تلقی می‌شود که پا را فراتر گذاشته و بیش از پیش پیشگیری و مجازات تروریسم و امحاء آن را مطرح ساخته و مورد تأکید قرار داده است. علت تأخیر جامعه بین‌المللی در مبارزه علیه تروریسم بین‌المللی، اختلاف نظر دولتها درخصوص تعریف تروریسم بوده است. آمیخته کردن آگاهانه و یا غیرآگاهانه اعمال تروریستی با اقدامات قانونی دیگر چون اقدامات متقابل، دفاع مشروع، مبارزه سیاسی و اعمال حق تعیین سرنوشت خود، تاکنون مانع از حصول اتفاق نظر جهانی درخصوص مفهوم تروریسم شده است. کنوانسیون ۱۹۹۷ می‌تواند برخی از موانع عدم اتفاق نظر درخصوص تعریف تروریسم را مرتفع سازد.

به طوری که اشاره شد، ارتکاب اعمال مجرمانه مقرر، تروریسم محسوب شده و تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌شود. تأکید و تأیید این امر که تروریسم تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است، به برخی از نهادهای سیاسی بین‌المللی، بویژه سازمان ملل، اجازه می‌دهد در صورت اقتضاء موضوع را در دستور کار خود قرار داده و اقدامات مقتضی را جهت اجرای مقررات کنوانسیون اتخاذ نمایند. شورای امنیت سازمان ملل، قبل از این تاریخ در قضیه لاکربی، تروریسم را به عنوان

تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی مورد توجه قرار داد و اقداماتی را در چارچوب فصل هفت منشور (تحریم) علیه لیبی به‌کار بست. اقدام شورای امنیت در آن زمان مورد انتقاد قرار گرفت و تخطی از مقررات حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد تلقی گردید، زیرا استدلال شد که تروریسم به‌فرض حمایت لیبی از آن، عملی نیست که تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شود و در چارچوب صلاحیت شورای امنیت قرار گیرد. کنوانسیون ۱۹۹۷، تا حد زیادی به این ابهامات خاتمه داد و تروریسم را تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی تلقی نمود و صلاحیت شورای امنیت را در رسیدگی و توجه به مسائل آن مورد تأیید قرار داد. توسعه صلاحیت شورای امنیت به مسائل تروریسم فی‌نفسه دارای پیامدهای نامطلوب و نگران‌کننده نیست. آنچه مایه نگرانی برخی از دولتها در این زمینه شده‌است ترس از برخورد دوگانه و تبعیض‌آلود شورای امنیت با موضوع و بهره‌برداری سیاسی احتمالی از آن می‌باشد.

کنوانسیون ۱۹۹۷، علیرغم کاستیهائی که دارد گام مثبتی در جهت پیشگیری و امحاء تروریسم به‌حساب می‌آید. این کنوانسیون مقدمه و مبنای کنوانسیون دیگری (کنوانسیون پیشگیری و سرکوب تروریسم هسته‌یی) است که هم‌اکنون (اوت ۱۹۹۸) توسط کمیته ویژه مجمع عمومی سازمان ملل در حال بررسی و تدوین می‌باشد. کنوانسیون ۱۹۹۷، در صورت اجرای توأم با حسن نیت بخشی از نگرانیها و وحشت جامعه بین‌المللی نسبت به اعمال تروریستی را مرتفع خواهد کرد.

زیرنویسها

1) Oxford Advanced Learner's dictionary, Fourth edition, Oxford university press 1991.

۲) حسینی‌قلی، حسینی‌نژاد «حقوق کیفری بین‌الملل» نشر میزان، ۱۳۷۳، ص ۱۳۰

3) Encyclopedia of public International law, vo (3 p.p. 132-138).

۴) درخصوص حادثه لاکربی، رجوع کنید به:

5) George Bann "Viewpoint on possible Next steps for physical protection I.A.E.A. Bulletin 30,4,Dec 1997 viana Austria P.P.4-5.

6) International Convention for the Suppression of Terrorist Bombings, Article 4.

7) Ibid Article 5,8.

۸) رضا، نوربهاء، زمینه حقوق جزای عمومی، کانون وکلای دادگستری، ۱۳۷۶ ص ۱۳۹ - ۱۴۰.

۹) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، که اخیراً در کنفرانس رم به تصویب رسید، عناصر سه‌گانه جرم بین‌المللی را مورد تأیید قرار داده‌است.

۱۰) مایکل اکهرست، «حقوق بین‌الملل نوین» مترجم، مهرداد سیدی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی ۱۳۷۳، صص ۱۵ - ۱۰.

11) International Converntion for Suppression of Nuclear Bombings, Article 4.

12) Ibid, Article, 2.

13) Ibid, Preamble.

۱۴) دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی اخیر خود راجع به مشروعیت سلاحهای هسته‌یی، این امر را مورد تأکید قرار داد نک به:

Michael.J. Matheson the opinions of the International Court of Justice on the threat or use of Nuclear weapons. A.J.I.L. vof 91, 1997 P.P. 121 - 3.

15) International Convention for Suppression of Nuclear Bombings Article 5.